

ما از عدالت سهمی داریم
سازمان حقوق بشر ایران

سال چهارم شماره ۹۷

۲۴ اسفند ۱۳۹۷ / ۱۵ مارس ۲۰۱۹

حقوق ما

قوانین ایران و محیط زیست

یک درخت یک زندگی

ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر ایران / محمود امیری مقدم

سردبیر این شماره: مریم غفوری

تحریریه: احسان حسینزاده، فیروزه رمضانزاده (تمام مصاحبه‌ها)

صفحه‌بندی: ماهور خوش‌قدم

تماس با مجله: mail@iranhr.net

حقوق ما در ویرایش مطالب آزاد است

یادداشت هایی که از روزنامه نگاران و اشخاص دریافت می شود نظر شخصی آنان است و دیدگاه مجله حقوق ما نیست

مشکل محیط زیست، قانون یا عدم اجرای آن؟

محمد درویش: مشکل محیط زیست در ایران،
نبود قانون نیست

بهترین قوانین در مورد محیط زیست را داریم
و بدترین اجراها را

محیط زیست و قوانینی که وجود دارند
اما درست اجرا نمی‌شوند

صالح نیک‌بخت: مشکل قانون زیست‌محیطی نداریم،
مشکل عدم رعایت قانون داریم

سپاه پاسداران از ضابط قوه قضاییه تا سرکوب
فعالان محیط زیست

مشکل محیط زیست ایران را در جایی غیر از
قانون باید جست



مشکل محیط زیست، قانون یا عدم اجرای آن؟



مریم غفوری

در اصل ۵۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی آمده است: «در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌شود. از این رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیر قابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است.» اما اوضاع محیط زیست ایران چندان مطلوب به نظر نمی‌رسد. دیوید لیلین، بوم‌شناس آمریکایی، در مقاله‌ای که ماه مه سال ۲۰۱۸ در وب‌سایت شورای آتلانتیک^۱ منتشر شد، نوشت: «تخریب محیط زیست در ایران به یک مساله جدی تبدیل شده است. این مساله یکی از عوامل مشکلات اقتصادی، نابسامانی‌های بهداشتی، گسست اجتماعی، و اعتراض‌های سیاسی اخیر است.»

او نوشت که از دهه ۱۹۸۰ میلادی، یعنی اوایل عمر حکومت جمهوری اسلامی، «کارایی سازمان حفاظت محیط زیست شروع به کاهش کرد. با در نظر داشتن دیگر چالش‌های فوری داخلی و منطقه‌ای که ایران با آن مواجه بود، سازمان حفاظت محیط زیست از بودجه ناچیز - و مدیریت بی‌کفایت و گاه فاسد - به شدت آسیب دید.»

مجله حقوق ما در شماره ۹۷ خود نظر کنشگران محیط زیست و حقوق‌دانان را درباره مشکلات احتمالی قانونی در عرصه محیط زیست ایران جویا شده است. اغلب مصاحبه‌شوندگان معتقدند که مشکل، نه خلاء قانونی، بلکه عدم رعایت درست

قانون و در مجموع، کاستی‌هایی است که در سایر بخش‌های مدیریتی کشور نیز مشاهده می‌شوند. محمد درویش، دبیر سیاست‌های محیط زیست در مرکز بررسی‌های استراتژیک نهاد ریاست جمهوری و عضو هیأت علمی مؤسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع، به حقوق ما گفت: «اگر ما بحران جدی در محیط زیست‌مان داریم - که داریم - ربطی به قوانین ندارد، بیشتر به باورهای مسئولان و مردمی ارتباط دارد که در این سرزمین زندگی می‌کنند و در نزد باورهای مردم و مسئولینی که در این سرزمین زندگی می‌کنند، تولرانس دریاچه ارومیه یا رودخانه کارون یا بختگان کمتر از نوسان قیمت دلار و گوجه فرنگی و تخم مرغ ارزش تامل کردن و حساسیت دارد. تا وقتی که یک چنین وضعیتی در جامعه ماست، ملاحظات محیط زیستی در پای ملاحظات سیاسی، اجتماعی اقتصادی و امنیتی ذبح می‌شود.»

صالح نیک‌بخت، حقوق‌دان، از منظر دیگری به موضوع می‌نگرد و می‌گوید: «آنچه ما در این رابطه با خلاء روبرو هستیم، تنها مربوط به محیط زیست نیست بلکه به طور کلی مربوط به عدم رعایت قوانین در کشور است. به این دلیل است که متأسفانه همان طوری که در سایر مسائل، به‌ویژه در زمینه مدیریت امور مالی و حفاظت از دارایی‌های ملی می‌بینید که مشکلات بسیار زیاد است و در راس این فساد، برخی از مسئولان و مدیریت کشور هستند؛ در بسیاری از موارد معاونین وزرا و همچنین بستگان نزدیک عالی‌ترین مقامات کشور مانند رئیس‌جمهور در این گونه موارد مداخله می‌کنند و زمینه این فسادهای مالی را فراهم می‌کنند. بنابراین همان طوری که در امور مالی

رعایت قوانین و مقررات نمی‌شود و زمینه این جرائم مالی به وجود می‌آید، در زمینه محیط زیست نه رعایت اصل پنجاه قانون اساسی شده و نه رعایت آن ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی گردیده است.»

نعمت احمدی، حقوق‌دان، به حقوق ما گفت: «من این نکته را بارها گفته‌ام که ما در ایران ضعف و خلاء قانونی در حوزه محیط زیست نداریم. مشکل محیط زیست ما کمبود بودجه، توان و نیروی سازمان محیط زیست به عنوان متولی این حوزه است.»

با این حال، اعظم بهرامی، پژوهشگر، می‌گوید مشکل قوانین هم در برخی حوزه‌های محیط زیستی وجود دارند: «قانون تنفس جنگل‌ها هنوز بعد از سال‌ها در مجلس شورای اسلامی در رفت و آمد است و هنوز به هیچ نقطه روشنی در مجلس نرسیده است.»

مضاف بر این، برخی نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی به کنشگران محیط زیست با دید منفی می‌نگرند. مراد طاهباز، سام رجبی، امیرحسین خالقی، هومن جوکار، سپیده کاشانی، نیلوفر بیانی، طاهر قدیریان و عبدالرضا کوهپایه، هشت فعال محیط زیستی هستند که از بهمن ماه سال ۱۳۹۶ در بازداشت

مقامات قضایی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران به سر می‌برند و به آن‌ها اتهام‌های امنیتی وارد شده است. مرگ مشکوک کاووس سید امامی از دیگر مسائل در این حوزه است.

اسماعیل کهرم؛ مشاور سابق سازمان محیط زیست و چهره شناخته‌شده در حوزه محیط زیست ایران، می‌گوید: «وقتی می‌آیند هشت نفر از کارشناسان محیط زیست را می‌گیرند، یکی از اینها در زندان خودکشی کرده می‌شود؛ می‌گویند خودکشی کرده. در حالی که خانواده اش می‌گویند اهل خودکشی نبوده. بعد این بچه‌هایی که روی یوزپلنگ کار می‌کردند، الان بیش از یک سال است که در زندانند. اینها را وقتی گرفتند، حالا فرض کنید میلیاردها پول داشته باشی! چه کسی دیگر حاضر است مثل امثال هومن جوکار یا سپیده کاشانی یک دانه کوله پشتی ببندد با یک سفره نان و نمک برود در بیابان با یک کیسه خواب، برود دنبال یوزپلنگ؟ چه کسی می‌رود؟»

احسان حسین‌زاده، حقوق‌دان، در مقاله‌ای مسأله ورود سپاه پاسداران به این پرونده را بررسی کرده است.

از شما دعوت می‌کنم تا خواننده شماره ۹۷ مجله حقوق ما باشید.

1. <https://www.atlanticcouncil.org/images/publications/david-laylin-translation.pdf>

محمد درویش: مشکل محیط زیست در ایران، نبود قانون نیست



فیروزه رمضان‌زاده

محیط زیست در قوانین ایران چه جایگاهی دارد؟ آیا قوانین فعلی ایران برای حفاظت از محیط زیست این کشور کافی‌اند؟ اگر این قوانین، تأثیر بازدارنده‌ای در کاهش تخلفات علیه محیط زیست ندارند و کافی نیستند، چه قوانینی باید به قوانین کنونی اضافه شوند؟ قوانین فعلی در مقام اجرا تا چه اندازه موثر بازدارنده و کارآمد هستند؟ آیا اجرای جدی این قوانین می‌تواند در حفاظت بهتر از محیط زیست موثر باشد؟

برای بررسی بیشتر موضوع محیط زیست و ارتباط آن با قانون اساسی، مجله «حقوق ما» این پرسش‌ها را با محمد درویش، دبیر سیاست‌های محیط زیست در مرکز بررسی‌های استراتژیک نهاد ریاست جمهوری و عضو هیأت علمی مؤسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع، در میان گذاشته است که در ادامه می‌خوانید.

محمد درویش در مورد ملاحظات زیست محیطی در قانون اساسی جمهوری اسلامی، می‌گوید: «ما در قانون اساسی یک اصل را اختصاصاً داریم: اصل پنجاهم که می‌گوید حفظ محیط زیست لازمه حیات اجتماعی روبه‌رشد مردم ایران است و وظیفه عمومی است؛ و مهم‌تر این که اگر کسی اقدام به تخریب غیرقابل جبران محیط زیست کند، مرتکب جرم شده است و حتماً مدعی‌العموم باید به این جرم رسیدگی کند. همه مردم می‌توانند از این حق قانونی‌شان برای پیگیری این موضوع استفاده کنند. خب! این اصل قانونی، بسیار مترقی‌ست و در قانون اساسی کمتر کشوری با این صراحت به حفظ محیط زیست به عنوان یکی از اصول اصلی و راهبردی کشور توجه شده است.»

این فعال محیط زیست به ابلاغ منشور حقوق شهروندی از سوی

حسن روحانی و پرداختن به حق محیط‌زیستی شهروندان در یکی از بندهای آن اشاره می‌کند: «در منشور شهروندی هم که رئیس جمهور منتشر کرده، چهار بند مستقیماً به محیط زیست مرتبط است و اشاره کرده که حفظ و برخورداری از آب، خاک و هوای سالم جزو حقوق همه شهروندانی است که در جمهوری اسلامی ایران زندگی می‌کنند. در برنامه چشم انداز بیست ساله ایران، افق ۱۴۰۴ هم تأکید شده که یکی از مهم‌ترین هدف‌ها برخورداری از محیط زیست مطلوب است.

همچنین در آن منشور ۱۵ ماده‌ای هم که از سوی رهبری نظام در آستانه برنامه پنج ساله ششم در قالب سیاست های کلی رهبری منتشر شد، برای اولین بار ما اختصاصاً برای محیط زیست ۱۵ فرمان و توصیه از رهبر جمهوری اسلامی داشتیم که تأکید می‌کند به همه دستگاه‌های دولتی که باید ملاحظات محیط زیستی، آموزش‌های جذاب محیط زیستی، رفتن به سمت محصولات سالم و ارتقای مشارکت مردم در حوزه محیط زیست را مد نظر قرار دهند. در این منشور بسیار مبسوط و بی سابقه به این موضوع پرداخته شده است. جمله معروفی هم از آقای خامنه‌ای نقل شده این است که «در ایران کسی حق ندارد حتی به بهانه ساخت حوزه علمیه یک درخت را قطع کند» در سخنرانی اسفند ماه ۱۳۹۳ ایشان این موضوع را مطرح کردند. بنابراین می‌بینید مقامات ایران در مناسبت‌های مختلف از جمله روز درختکاری، اقدام به کاشت درخت می‌کنند و توصیه می‌کنند که محیط زیست را باید حفظ کرد. در مجموع ما قوانین زیادی داریم در حفاظت از محیط زیست که آخرینش هم قانون هوای پاک بود که از تصویب مجلس شورای اسلامی گذشت.»

عضو هیأت علمی مؤسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع، با بیان این نکته که در فرهنگ، ادبیات، دین و تاریخ ایران موضوع محیط زیست، موضوع مهمی بوده است، به جملاتی از کوروش در منشور پارسوماش اشاره می‌کند: «از منشور پارسوماش منقول است که می‌گوید «به فهم آب رسیدن و گندم را گرمی داشتن، این آیین من است. پس هر که رونده‌ای را بیازارد؛ جهان را آزرده است. او که درختی را بیافکند، بی اجاق خواهد مرد. او که آب را بیالاید، روان خویش را آلوده است.» دو هزار و پانصد سال از این پند کوروش می‌گذرد. یا پیامبر اسلام می‌گوید «نزد من شکستن شاخه درخت مثل شکستن بال فرشتگان است» یا وحشی بافقی می‌گوید «ما درخت افکن نه‌ایم آنها گروهی دیگرند / با وجود صد تبر، یک شاخ بی‌بر نشکنیم.»

به گفته این کنشگر محیط زیست، «با وجود همه این‌ها، نرخ بیابان‌زایی در کشور ما به‌شدت و به صورت وحشتناکی، نگران‌کننده است: بالاترین میزان فرسایش خاک را در جهان داریم، یک دوازدهم کل فرسایش خاک جهان در ایران اتفاق

می‌افتد، نزدیک به ۲۰ میلیون درخت بلوط و بنه و ارژن را در زاگرس را از دست داده ایم و از ۱۳۳۵ تا امروز نیمی از رویش‌های جنگلی ارزشمند ما در شمال کشور از بین رفته است. سطح سفره‌های زیرزمینی به شدت کاهش پیدا کرده، ما رکورددار فرونشست زمین در کره زمین هستیم به میزان ۵۴ سانتی متر در سال. از نظر آلودگی هوا وضعیت بسیار نگران کننده‌ای داریم که خسارت‌هایش دست‌کم ۸ میلیارد دلار در سال است. این یک پارادوکس (تناقض) جدی است که نشان می‌دهد به‌رغم این که قوانین بسیار خوبی در کشور وجود دارد، به‌رغم این که مسئولان کشور پیوسته توصیه می‌کنند به حفظ محیط زیست، به رغم این که عقبه فرهنگی و ادبی و دینی ما از این موضوع حمایت می‌کند، اما ما متأسفانه شاهد تخریب وحشتناک محیط زیست و تولید وحشتناک زباله هستیم.»

مجله حقوق ما در ادامه این گفت‌وگو به این نکته اشاره کرد که آیا قوانین و مقررات، به این دلیل که احتمالاً موضوع محیط زیست در باور مردم و مسئولان، جایگاه ویژه‌ای ندارد کارآمد و موثر نبوده و رویکرد عملی برای حفظ محیط زیست نداشته است؟

درویش در تایید این موضوع می‌گوید: «دقیقاً همین‌طور است، می‌خواستم به همین‌جا برسم که اگر ما بحران جدی در محیط زیست‌مان داریم -که داریم- ربطی به قوانین ندارد، بیشتر به باورهای مسئولان و مردمی ارتباط دارد که در این سرزمین زندگی می‌کنند و در نزد باورهای مردم و مسئولینی که در این سرزمین زندگی می‌کنند تولرانس دریاچه ارومیه یا رودخانه کارون یا بختگان کمتر از نوسان قیمت دلار و گوجه فرنگی و تخم مرغ ارزش تامل کردن و حساسیت دارد. تا وقتی که یک چنین وضعیتی در جامعه ماست، ملاحظات محیط زیستی در پای ملاحظات سیاسی، اجتماعی اقتصادی و امنیتی ذبح می‌شود و ما به بهانه‌های مختلف صرف‌نظر می‌کنیم. طبق قانون، حتی قطع یک درخت جرم است، طبق قانونی که سازمان جنگل‌ها و مراتع و آبخیزداری کشور بر اساس آن شکل گرفته، قطع یک درخت جرم است ولی باز کمیسیون اصل ۹۰ مجلس می‌گوید که در دو دهه اخیر دست‌کم دو میلیون هکتار از عرصه‌های منابع طبیعی قانوناً تغییر کاربری پیدا کرده. ما در سیل اخیر دو میلیون هکتار از عرصه های منابع طبیعی‌مان را از دست دادیم. در مورد سیل اخیر، رئیس جهاد کشاورزی استان لرستان اعلام کرد بین ۱۵۰ تا ۲۰۰ هزار هکتار از عرصه‌های منابع طبیعی که به صورت غیرقانونی تبدیل به اراضی کشاورزی شده بود، نرخ فرسایشش یک و نیم برابر متوسط نرخ فرسایش کشور بود. خود این مساله عامل اصلی تشدید سیل بود. اینها همه نشان‌دهنده این مساله است که متأسفانه مدیران و تصمیم‌گیران این کشور



به رغم بیان جمله‌های زیبا در مورد محیط زیست عملاً احساس می‌کنند که محیط زیست، موی دماغ توسعه است.»

به گفته آقای درویش، «وقتی رییس سازمان محیط زیست ما وقتی می‌گوید من به ۹۵ درصد از حوزه محیط زیست اشراف ندارم، خب پرسش اصلی این است که چرا یک چنین فردی باید بشود رییس سازمان محیط زیست؟ ایشان به راحتی می‌گوید «من دستور داده‌ام که میش و بزهای پیر را بکشند چون این‌ها آب زیاد می‌خورند»؛ یا این که ۷۷ هزار هکتار از وسعت مناطق حفاظت شده را واگذار کرد در صورتی که ما طبق تعهدات مان در اجلاس ناگویا باید حداقل ۱۷ درصد از قلمرو کشور را در شمار مناطق حفاظت‌شده قرار می‌دادیم. همان رییس سازمان حفاظت محیط زیست دستور تعطیلی مدرسه طبیعت را صادر کرد، در صورتی که ما به‌شدت از آموزش‌های محیط زیستی جذاب محرومیم و دستور رهبری در منشور ۱۵ ماده‌ای بوده که به این آموزش‌ها توجه شود. اینها پارادوکس‌های جدی‌ست که نشان می‌دهد حاکمیت و دولت‌ها به محیط زیست و منابع طبیعی به دیده حیاط خلوت خودشان نگاه می‌کنند که هر جا کم آوردند، برای کاهش مخارج از محیط زیست و منابع طبیعی استفاده کنند. وقتی می‌خواهند جاده بکشند، از آن عرصه عبور دهند، وقتی می‌خواهند لوله بکشند از آن عرصه عبور دهند، چون برایشان مجانی در می‌آید و ریشه همه این تخلفات از همین‌جا ناشی می‌شود.»

از محمد درویش در مورد علت وجود ضعف و ناکارآمد بودن قوانین در مواجهه با تخلفات متعدد در حوزه محیط زیست سوال کردیم.

این فعال محیط زیست به قانون جدید آیین دادرسی اشاره می‌کند که براساس آن، حق شکایت سازمان‌های غیردولتی را برای موارد تخریب محیط زیست به رسمیت شناخته و این سازمان‌ها می‌توانند در این موارد، شکایت کنند: «این ضعف به نظر من برمی‌گردد به چند مورد که یک مورد آن، عدم مطالبه‌گری جامعه و عدم مطالبه‌گری از جانب حقوقدان‌هاست. ما مثلاً تبصره سه ماده ۶۶ آیین دادرسی را داریم که مطابق آن سازمان‌های غیردولتی می‌توانند هنگامی که احساس کنند خطایی در حوزه محیط زیست رخ داده و منجر به تخریب غیرقابل جبران شده، اعلام جرم کنند. دادستان مسوول پیگیری این موضوع است. ولی عملاً این اتفاق نمی‌افتد برای این که در تعریفی که از سازمان‌های غیردولتی در قانون قید شده، باید آن‌جی‌او-هایی را مشمول این کار کنند که قوه قضاییه و دولت آن‌ها را تایید کرده باشد. این سازمان‌های غیردولتی که تایید شده باشند، هیچ وقت حاکمیت را به چالش نمی‌کشند. در واقع ما یک جورایی سر همدیگر کلاه می‌گذاریم، دورهمی زندگی می‌کنیم.»

و تخریب محیط زیست آغاز کرده‌اند که قابل انکار نیست. از آقای درویش در مورد جایگاه فعالان محیط زیست در مواجهه با کارآمد نبودن قوانین می‌پرسیم.

او می‌گوید: «من ۳۰ سال است که در این حوزه کار می‌کنم، وقتی که شروع کردم بیایم یک وبلاگ در حوزه محیط زیست بنویسم به عنوان مهار بیان‌زایی، همکاران خودم که همه پژوهشگر این حوزه هستند، به من می‌خندیدند و می‌گفتند» درویش! مردم نمی‌دانند محیط زیست چیست! حالا مهار بیان‌زایی؟! خودت را مسخره کردی؟ کسی نمی‌آید توجه کند» و واقعاً چند سال اولی که می‌نوشتم، به طور متوسط ۷ نفر تا ۱۰ نفر هم وبلاگ من را نمی‌خواندند ولی به جایی رسید که ۴۵ هزار نفر در روز بازدیدکننده داشت و ما توانستیم کارهای بسیار بزرگی انجام دهیم. یعنی واقعاً حساسیت‌های مردم نسبت به محیط زیست در حال حاضر قابل مقایسه با زمانی که من شروع به این فعالیت‌ها کردم نیست.

فعالان محیط زیست خیلی توانستند موثر باشند. این‌که مجریان سدهای بزرگ گلایه می‌کنند از این که فعالان محیط زیست جوی ایجاد کرده‌اند که آن‌ها نتوانستند پروژه‌های سدسازی‌شان را اجرا کنند، نشان‌دهنده تاثیر فعالان محیط زیست در چیدمان

توسعه است. منتها هنوز راه درازی‌ست که باید طی کنیم. تا وقتی که آدم‌هایی مثل عیسی کلانتری می‌شوند رییس سازمان محیط زیست، یعنی این‌که ما راه‌های نرفته و کارهای نکرده بسیار داریم.»

در پایان گفتگویم با دبیر سیاست‌های محیط زیست در مرکز بررسی‌های استراتژیک نهاد ریاست جمهوری، از او در مورد آینده شرایط محیط زیستی مناطق سیل‌زده با وجود حذف انبوه زمین‌های زراعی و احتمال بهبود و توسعه دوباره کشاورزی در این مناطق سوال کردم.

او در جواب می‌گوید: «اتفاقاً این سیل به هر جایی آسیب زده باشد، برای طبیعت و کشاورزی ایران بسیار خوب بوده است. اغلب اراضی کشاورزی ما دچار افت حاصلخیزی خاک و انواع و اقسام آلاینده‌های شیمیایی و مشکل نمک شده بود و این سیلاب‌ها توانست نمک‌شویی بسیار خوبی انجام دهد، توانست مواد غذایی را از کوهستان‌ها بیاورد و در دشت‌ها آرام آرام تنظیم کند. درست است که کشتی که کرده بودند، از بین رفته، اما چون خاکشان حاصلخیز شده و کلی رسوبات ارزشمند غذایی از بالادست وارد دشت‌های سیلابی، از جمله خوزستان شده، کیفیت توان حاصلخیزی بالا رفته و آنها می‌توانند در کشت بعدی به راحتی جبران کنند.

مضاف بر این، در بقیه نقاط کشور که به شدت با کمبود آب مواجه بودند، الان کشت دیم و کشت آبی رواج پیدا کرده است. حتی در بخش‌های خراسان جنوبی، کرمان، یزد و اصفهان دارند کشاورزی را گسترش می‌دهند، وضعیت کشاورزی ما به شدت بهبود پیدا کرده و پیش‌بینی‌ها این را نشان می‌دهد که امسال نزدیک به ۳ میلیون تن بیشتر از آن چیزی که فکر می‌کردیم، حتی گندم تولید کنیم. در تولیدات دیگر، وضعیت آن‌قدر خوب است که الان همه نگران این هستند که این محصولات روی دست دولت بماند و نتوانند بفروشند و به خاطر تحریم‌ها نتوانند صادر کنند. وضعیت تالاب‌های ما بسیار خوب شده است. تقریباً اغلب تالاب‌های ما الان آبادار شده‌اند. کانون‌های بحران فرسایش بادی می‌شود گفت تماماً مهار شده‌اند. برای اولین بار است تقریباً در طول ۶۰ سال اخیر که میزان ریزش آسمانی هر ۶ حوزه اصلی آبخیز کشور بیشتر از میانگین ۵۰ ساله شده است.

این‌ها همه نویدبخش یک سال بسیار خوب است که اگر تداوم پیدا کند و ما بتوانیم حقایق تالاب‌ها را حفظ کنیم، این یعنی افزایش شمار پرندگان، افزایش و کیفیت بهتر آبزیان، رونق صیادی، بهبود اکوسیستم‌های دریایی در خلیج فارس و دریای مازندران؛ که اینها همه می‌تواند به بهبود توان زیست‌محیطی سرزمین ایران کمک کند.»

بهترین قوانین در مورد محیط زیست را داریم و بدترین اجراها را

فیروزه رمضانزاده

موضوع محیط زیست در قانون اساسی ایران تا چه اندازه مورد اهمیت قرار گرفته است؟ قوانین محیط زیست تا چه اندازه در ایران قدرت اجرایی دارند؟ آیا سازمان محیط زیست به عنوان متولی حفاظت از محیط زیست در اجرای این قوانین موفق بوده است؟

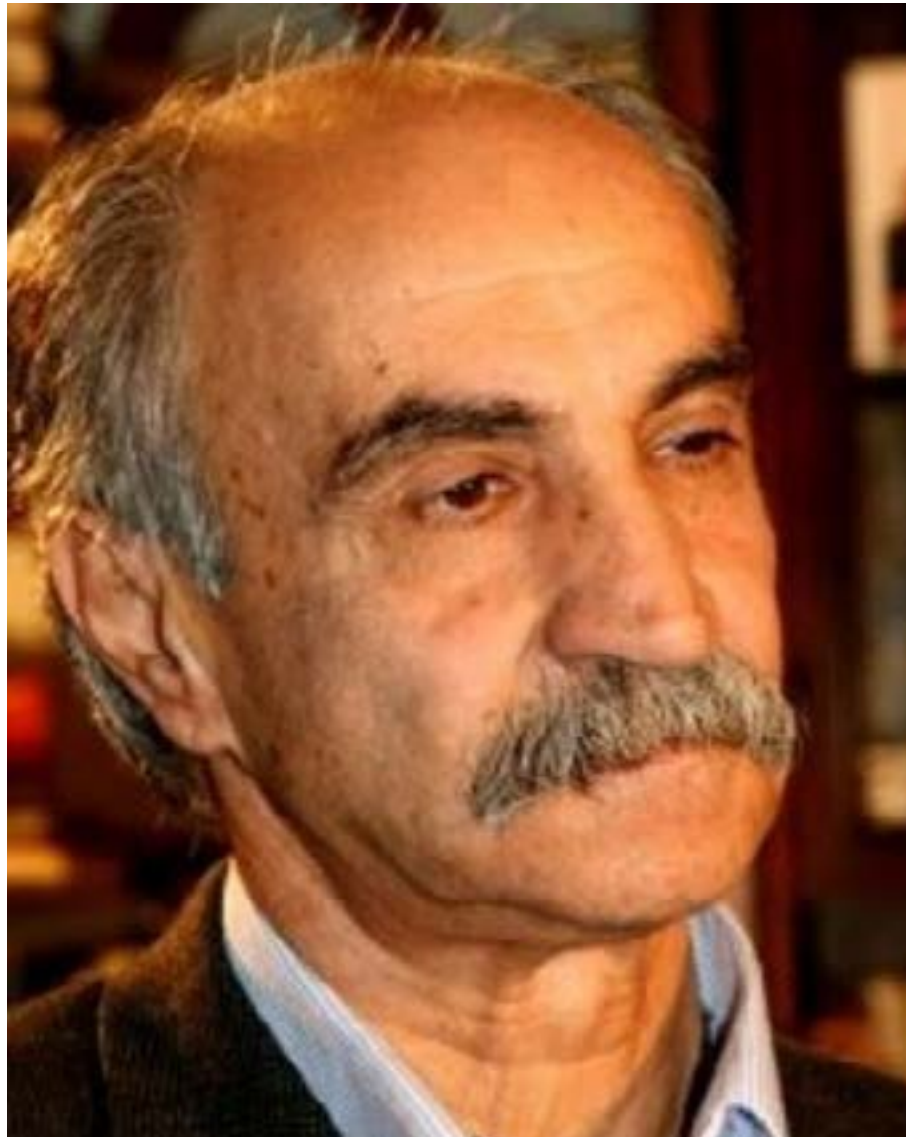
فرصتی دست داد تا این پرسش‌ها را با اسماعیل کهرم؛ مشاور سابق سازمان محیط زیست و چهره شناخته‌شده در حوزه محیط زیست ایران، در میان بگذاریم.

آقای دکتر کهرم! موضوع محیط زیست در قانون اساسی ایران تا چه اندازه مورد توجه و اهمیت قرار گرفته و تا چه حد کارآمد است؟

ببینید! موضوع این است که ما بهترین قوانین را داریم و بدترین اجراها را، اصل پنجاهم قانون اساسی به طور کلی می‌گوید هر عملی که در ایران انجام می‌شود، اگر مغایر با محیط زیست باشد، ممنوع است. اگر این اصل پنجاهم اجرا می‌شد، ما هیچ مسالهای در ایران نداشتیم. لذا عرض می‌کنم که من کمتر قانون اساسی را می‌دانم که در آن اصل‌های مربوط به محیط زیست باشد. بنده اصلاً نمی‌شناسم. در حالی که سی و هفت هشت سال پیش که قانون اساسی را نوشتند، رئیس سازمان حفاظت محیط زیست یک آقای بود، ایشان پدر این خانم معصومه ابتکار بود به نام آقای تقی ابتکار. او رفت در مجلس نشست و اصل پنجاهم را ایشان دیکته کرد. درحالی که میراث فرهنگی، با آن‌که که ایران یکی از قدیمی‌ترین کشورهاست با

این همه آثار فرهنگی؛ نتوانست این کار را بکند. رئیس سازمان حفاظت محیط زیست، آقای دکتر تقی ابتکار این کار را کرد. اصل پنجاهم را داخل قانون اساسی کرد. منتها حالا چقدر اجرا نمی‌شود؟ هیچی! واقعاً ما خجالت می‌کشیم. خب قانون، اهمیّتش به این است که وقتی نوشته می‌شود، اجرا شود. والا تکه کاغذی‌ست که ارزش آن کاغذی که در آن نوشته شده را هم ندارد؛ در نتیجه این مساله پیش آمده. شما ببینید اگر اصل پنجاهم اجرا می‌شد، چقدر ارزش داشت. ولی شما در نظر بگیرید حدود پنج شش سال پیش، یک

کردن مثلاً محیط زیست و آلوده کردن هوا. اگر کسی برود در بیابان و مثلاً کارتل ماشینش را باز کند و روغن‌های سوخته را بریزد بر روی زمین و روی خاک، او می‌تواند بازداشت شود به خاطر این که مثلاً سفره آب زیرزمینی را مسموم می‌ند. یا این که اگر کسی برود یک درخت را قطع کند در جنگل، او می‌تواند طبق این قوانین دوازده‌گانه محکوم شود و کارش به پرداخت جریمه و زندان و غیره برسد. ولی چقدر از اینها اجرا می‌شود؟ متأسفانه مثل همان قانون اساسی! این موارد اجرا نمی‌شوند.



عواملی مجزا و مکمل بر این نوشته شد که از طرف رهبر جمهوری اسلامی ابلاغ شد به دستگاه‌های مختلف برای اجرا. در آن قوانین مکمل، اگر چنانچه مثلاً کسی بیاید یک پیت نفت را آتش بزند، الان می‌تواند دستگیر شود به عنوان آلوده بنابراین بنده با یقین و جسارت عرض می‌کنم که ما بهترین قوانین در مورد محیط زیست را در ایران داریم و متأسفانه بدترین اجراها را. به‌خصوص الان که سازمان حفاظت محیط زیست دست یک عده‌ای افتاده که اینها به قول خودشان

با بازداشت هشت نفر

از فعالان محیط زیست،

تحقیقات حیات وحش

در ایران مُرد! من

می‌شناختمشان؛ بچه‌هایی

عاشق طبیعت و عاشق محیط

زیست بودند. ولی اگر

اینها از زندان آزاد شوند،

بنده فکر نمی‌کنم دیگر با

آن عشق قبلی کوله‌پشتی

ببندند و بروند در بیابان.

مناسب نبودند. بله! نظر کارشناسانی که فرمودند بودجه هم کم هست، درست می‌گویند.

وقتی می‌آیند هشت نفر از کارشناسان محیط زیست را می‌گیرند، یکی از اینها در زندان خودکشی کرده می‌شود؛ می‌گویند خودکشی کرده. در حالی که خانواده اش می‌گویند اهل خودکشی نبوده. بعد این بچه‌هایی که روی یوزپلنگ کار می‌کردند، الان بیش از یک سال است که در زندانند. اینها را وقتی گرفتند، حالا فرض کنید میلیاردها پول داشته باشی! چه کسی دیگر حاضر است مثل امثال هومن جوکار یا سپیده کاشانی یک دانه کوله پشتی ببندد با یک سفره نان و نمک برود در بیابان با یک کیسه خواب، برود دنبال یوزپلنگ؟ چه کسی می‌رود؟ من فکر می‌کنم مُرد، تحقیقات حیات وحش در ایران مُرد با این تهمتهایی که زدند به این بچه‌ها. این هم یک مساله است که باید لحاظ کرد.

به نظر شما در دوره خانم ابتکار که شما مشاور ایشان بودید؛ وضعیت محیط زیست بهتر بود یا مشکل کمبود بودجه آن زمان هم وجود داشت؟

کمبود بودجه بود. ولی با توجه به بودجه کمی که داشتیم، بخش‌های مختلف خوب کار می‌کردند. بخش حیات وحش بود؛ در این بخش خوب جدیت می‌کردند. بخش پرندگان داشتیم، بخش پستانداران داشتیم، بخش اکولوژی، بخش مناطق بیش از صد وهفتاد منطقه حفاظت شده و پارک ملی و پناهگاه حیات وحش. این مناطق بهتر محافظت می‌شدند. الان، عرض کردم، با این دلسردی که برای کارکنان سازمان حفاظت محیط زیست پیش آمده، اینها فکر می‌کنند که خب! بلند شوند بروند در بیابان، به جرم جاسوسی و عکسبرداری و فیلمبرداری بگیرندشان. بیش از یک سال و دو ماه است که الان متاسفانه این بچه‌ها در زندانند.

ببینید پنج بهمن ماه سال قبل، اینها دستگیر شدند و هنوز که هنوز است در زندان هستند و محاکمه‌شان تشکیل نشده است. اینها بچه‌های عاشقی بودند. من می‌شناختمشان. بچه‌های عاشق طبیعت، عاشق محیط زیست. ولی اگر اینها از زندان آزاد شوند، بنده فکر نمی‌کنم دیگر با آن عشق قبلی بروند دوربین بگیرند، کوله پشتی ببندد و بروند در بیابان. فکر نمی‌کنم دیگر این کار را بکنند؛ گرچه در عشق و علاقه این‌ها تردیدی نیست.

می‌گویند برای چهار تا یوزپلنگ ما حاضر نیستیم مساله آب را فراموش کنیم. در حالی که آب، مساله‌ای نیست که مربوط به محیط زیست باشد. آب، مساله‌ای ست مربوط به وزارت نیرو. یعنی سازمان حفاظت محیط زیست اصلاً توانایی، پتانسیل و تخصص مطالعات آب را ندارد، اصلاً ندارد! برای این که وزارت نیرو متولی آب است، در نتیجه ما هم آن را ول کردیم و هم نمی‌توانیم به این بپردازیم. یعنی هم حیات وحش را فراموش کرده‌ایم و هم این که متاسفانه مساله آب را ما ناتمام گذاشتیم و اصلاً دست هم به آن نزده‌ایم. لذا وقتی آقای کاوه مدنی را برداشتند آوردند، این آقای کاوه مدنی، بیچاره با افتضاح و با تهدید و با اشاعه این که ایشان جاسوس است و این حرف‌ها، بدبخت جانش را برداشت و با زنش فرار کرد و رفت و الان در ایالات متحده خدمت شماس‌ت. اینها اشتباهاتی ست که در زمینه محیط زیست در ایران انجام شده .

برخی از کارشناسان معتقدند مشکل عمده در حوزه محیط زیست، مشکل کمبود بودجه است. یعنی حتی بودجه این سازمان از سازمان‌های مذهبی هم کمتر است.

البته این هم هست و درست است. آنقدر سازمان‌های مذهبی پولشان زیاد است که سازمان هفت هزار نفری محیط زیست به هیچ وجه نمی‌تواند با آنها رقابت کند. بنده حدود چهل و چهار – چهل و پنج سال در سازمان حفاظت محیط زیست بودم و می‌شناسم این سازمان را! آن روزهای آخری که بنده بودم، همین دو سال پیش، حتی گرفتن پول برای حقوق کارمندان سازمان با اشکال و در آخرین لحظه در دقیقه نود گرفته می‌شد. ولی ببینید این آقای عیسی کلانتری، ایشان وقتی یک چنین جمله‌ای را می‌گوید که «من برای چهار تا یوزپلنگ حاضر نیستم از مساله مهم آب بگذرم»، یعنی آن صد و بیست محیط‌بان، شکاربانی که برای حفاظت از یوزپلنگ شهید شدند، ببینید خانواده‌شان چه فکر می‌کنند؟ آن وقت آیا ظرف دو سال و نیم گذشته که ایشان رئیس سازمان بوده، یک قطره آب به این مملکت اضافه شده؟ عرض کردم رفتند کاوه مدنی را از خارج آوردند به او تهمت جاسوسی و غیره را زدند، فرار کرد رفت. بنده مقدار زیادی از این مسائل را مربوط به رئیسش می‌دانم. رئیس سازمان هست که خط مشی تعیین می‌کند و متاسفانه آقای عیسی کلانتری برای این کار

محیط زیست و قوانینی که وجود دارند اما درست اجرا نمی‌شوند

فیروزه رمضان‌زاده

محیط زیست در قوانین ایران چه جایگاهی دارد؟ آیا قوانین فعلی ایران برای حفاظت از محیط زیست این کشور کافی‌اند؟ اگر این قوانین، تأثیر بازدارنده‌ای در کاهش تخلفات علیه محیط زیست ندارند و کافی نیستند، چه قوانینی باید به قوانین کنونی اضافه شوند؟ قوانین فعلی در مقام اجرا تا چه اندازه موثر بازدارنده و کارآمد هستند؟ آیا اجرای جدی این قوانین می‌تواند در حفاظت بهتر از محیط زیست موثر باشد؟

برای بررسی بیشتر موضوع محیط زیست و ارتباط آن با قانون اساسی، مجله «حقوق ما» این پرسش‌ها را با گروهی از حقوق‌دانان و کارشناسان محیط زیست در میان گذاشته است. یکی از این کارشناسان، اعظم بهرامی، پژوهشگر محیط زیست است.

او مجموع قوانین و مقررات مربوط به محیط زیست در ایران را به دو دسته تقسیم‌بندی می‌کند و می‌گوید: «یک سری قوانین هستند که ایران بر اساس کنوانسیون‌ها و معاهدات بین‌المللی متعهد به اجرای آنهاست. این قوانین می‌توانند قوانینی باشد که لازم‌الاجرا هستند و معمولاً مربوط می‌شوند به آلودگی‌های خطرناک شیمیایی، آلودگی‌های سمی؛ و به کنوانسیون‌ها و پروتکل‌هایی ربط دارند که در آن‌ها مجموعه زیادی از کشورها در تولید نکردن زباله‌های زیست محیطی یا یک شیوه مشخص

وقتی از قوانین زیست

محیطی در ایران صحبت

می‌کنیم، باید بپرسیم

اساساً چه کسی متولی

اجرای قوانین و پی‌گیری

جرائمی‌ست که در حوزه

محیط زیست اتفاق

می‌افتند؟



برای از بین بردن این زباله‌ها، با هم به توافق رسیده‌اند.» به گفته وی، بخشی از این قوانین و کنوانسیون‌های محیط زیستی بین‌المللی هم در واقع «توافقی» هستند؛ یعنی برای مثال، کشورهایی به توافق می‌رسند و متعهد می‌شوند که سالانه میزانی از دی اکسید کربن را کاهش دهند یا از مصرف سوخت‌های فسیلی خود به یک میزان خاص بکاهند. او می‌گوید: «اینها هم مجموعه‌ای از قوانین بین‌المللی محیط زیستی هستند که کشورها نسبت به آن توافق کرده‌اند و متعهد شده‌اند؛ اما این کشورها اگر خلاف این قوانین عمل کنند یا نتوانند تعهد خود را انجام دهند، هیچ کنترل و جریمه‌ای برایشان تعیین نشده است. حتی می‌بینیم که کشورها می‌توانند از بعضی از این کنوانسیون‌ها خارج شوند. نمونه‌اش را هم داشتیم! بعد از توافق بین‌المللی پاریس بر سر تغییر اقلیم، در کنفرانس مراکش بود که تعداد کشورهای کمتری شرکت کردند؛ یا کشوری مثل آمریکا کلاً از آن تعهد بیرون آمد. ایران هم نتوانست به مجموعه زیادی از تعهداتش نسبت به کاهش گاز دی اکسید کربن و سوخت‌های فسیلی و افزایش درصد استفاده از انرژی‌های نو، عمل کند.»

این کنشگر محیط زیست ادامه می‌دهد: «اینها مجموعه‌ای از قوانین بین‌المللی هستند که در بعضی از موارد هم کاملاً ناکافی و حتی ناشفاف هستند، مثل قوانینی که وضعیت محیط زیست و منابع طبیعی مرزی را روشن می‌کند. به‌گونه‌ای که اغلب واگذار شده به توافق بین دو کشور: مثل قوانین مربوط به آب‌های مرزی، رودهای مرزی، جنگل‌های مرزی. برای مثال در امریکای لاتین، بسیاری از کشورها هنوز با این قوانین مشکل دارند. ما خودمان می‌دانیم که مثلاً با دریاچه‌های مرزی‌مان مثل هامون و هورالعظیم مساله داریم، با رودهای مرزی‌مان، در موارد نادری مثل ارس توانستیم به توافق برسیم ولی همچنان در مورد یک سری از رودها مثل هریرود و هیرمند هنوز مساله داریم. به این ترتیب، مجموعه قوانین و مقررات محیط زیستی بین‌المللی هم، چندان کامل نیستند و متناسب با نیاز کشورها تلاش می‌شود که به‌روز شوند.» خانم بهرامی به قوانین داخلی ایران در حوزه محیط

زیست اشاره می‌کند: «ما هم مثل بقیه کشورها یک مجموعه مقررات و قوانین داخلی در حوزه محیط زیست داریم. مجموعه قوانین و مقررات داخلی ما در حوزه محیط زیست، در برخی موارد بسیار جزئی‌نگر بوده، حتی برای تاکسیدرمی کردن هم یک سری قوانین مشخص داریم. تقسیم‌بندی قوانین ایران شامل تقسیم‌بندی منابع طبیعی آبی و جنگل و مناطق حفاظت‌شده است. مثلاً قانون حفاظت و بهره‌برداری از منابع آبی را داریم که شامل قوانین مرتبط به صید و صیادی، حفاظت از حیات گونه‌های آبیان، توسعه و نگهداری بنادر و ارگان‌هایست که مرتبط به حوزه دریایی ایران هستند.

در سال ۷۴ به یک توافقی در مورد این قوانین رسیدند که حدود ۲۴ - ۲۵ ماده تبصره دارد که اکثر این موارد شامل صیدهای متفاوت و انواع صیدها است، حتی در آن قانون مصادیق مجرمانه صید و شکار ماهی هم لحاظ شده است، به طور مثال: در مورد صید در فصل‌های ممنوعه. اما بعضی از قوانین ایران در حوزه قوانین محیط زیستی بسیار ناقص هستند و نقاط ناشفاف بسیار زیادی دارند مثل قوانین در حوزه حفاظت از جنگل‌ها در این قوانین ما عملاً با چند مشکل جدی مواجه هستیم. یکی اینکه قوانین، ناکافی هستند مثلاً قانون تنفس جنگل‌ها هنوز بعد از سال‌ها در مجلس شورای اسلامی در رفت و آمد است و هنوز به هیچ نقطه روشنی در مجلس نرسیده است.»

این تحلیلگر محیط زیست در ادامه به کنوانسیون تالاب‌های بین‌المللی، به‌ویژه به عنوان زیستگاه پرندگان آبی یا به اختصار کنوانسیون تالاب‌ها (رامسر، ایران) اشاره می‌کند. این کنفرانس که در دوم ماه فوریه ۱۹۷۱ (۱۳ بهمن ۱۳۴۹) در شهر رامسر ایران برگزار شد و در سال ۱۹۷۵ جنبه قانونی پیدا کرد، ۱۵۸ کشور عضو را به تعیین و حفظ تالاب‌های با اهمیت بین‌المللی و تشویق به استفاده خردمندانه از آنها ملزم کرده است.

به گفته وی؛ قوانین دیگر در مورد تالاب‌ها، قوانین ناکافی بوده‌اند. علی‌رغم این که ایران اولین کشور عضو کنوانسیون رامسر بود و این کنفرانس برای اولین بار در

ایران برگزار شد، سال‌هاست که تعداد تالاب‌های ما و تنوع‌شان جزو کشورهای مثال زدنی در خاورمیانه بوده است. با این حال، هنوز قوانینی که در مورد حفظ تالاب‌ها داریم، از اجازه جاده‌کشی تا حفر معدن و دفن زباله، قوانینی بوده‌اند که به هیچ عنوان کارایی نداشته‌اند. تعریف جرم در موردشان انجام نشده، قوانینی نیستند که بتوانند از مجموعه اکولوژی پراهمیت تالاب‌ها حفاظت کنند. به این ترتیب، در مورد بعضی از موضوعات، نمی‌توان گفت قوانین ایران حتی قوانین دقیق، جزئی‌نگر و کافی‌اند.

اعظم بهرامی می‌افزاید: «مثلاً در مواردی مثل جنگل‌ها و حوزه آب که منافع زیادی در آن وجود داشته و دست‌های زیادی در مدیریت و کنترلش بوده، از وزارتخانه‌های قدرتمندی مثل وزارت نیرو، وزارت نفت، وزارت صنعت و معدن گرفته تا گروه‌های مافیایی که زیر نظر نیروهای نظامی کار می‌کنند، توانسته‌اند به آن دست‌درازی کنند. بنابراین این قوانین به هیچ عنوان برای ممانعت از آنها کافی نبوده است.»

اعظم بهرامی در ادامه این پرسش را مطرح می‌کند که وقتی از قوانین زیست محیطی در ایران صحبت می‌کنیم اساساً چه کسی متولی اجرای قوانین محیط زیستی است؟ چه کسی متولی پیگیری جرائمی‌ست که در حوزه محیط زیست اتفاق می‌افتد؟ و چه کسی متولی به وجود آمدن ابزار و تکنولوژی موثر و کارآمد است برای حفظ، کنترل و اجرای این قوانین؟

او می‌گوید: «این‌ها پرسش‌های اساسی هستند که ما در حوزه قوانین محیط زیستی در ایران پیش رو داریم. ارگان‌های موازی زیادی داریم. مثلاً وقتی در مورد جنگل‌ها حرف می‌زنیم، بعضی از قوانین مربوط به جنگل‌ها، سازمان جنگل‌ها و مراتع، با حوزه محیط زیست اختلاف نظر و اختلاف منفعت پیدا می‌کند. همین‌طور مثلاً سازمان شیلات اختلاف پیدا می‌کند با حوزه محیط زیست؛ سازمان جهاد کشاورزی با حوزه محیط زیست هم به همین شکل و به همین ترتیب. ما حوزه مشخصی از منابع طبیعی داریم و چندین رییس و مدیر و مجری که عملاً در موازات هم دارند کارهایی انجام می‌دهند که در

نداشته باشد! چطور ما می‌توانیم متوقع باشیم که محیط‌بان برود و این مسئولیت را به لحاظ قانونی بپذیرد که مسئول اطفای حریق باشد؟»

این پژوهشگر محیط زیست ادامه می‌دهد: «در مورد قاچاق حیات وحش و قاچاق چوب، قوانین ما به اندازه تعریف شده و دقیق هستند. اما در مورد قوانین شکار به تازگی آمده‌اند یک سری تغییرات داده‌اند که برای حوزه محیط زیست بسیار خطرناک است.»

خانم بهرامی به فروش پروانه شکار از سوی معاونت محیط طبیعی سازمان حفاظت محیط زیست کشور به اتباع خارجی در خردادماه ۱۳۹۷ اشاره می‌کند که با واکنش فعالان و رسانه‌های این حوزه روبرو شد. براساس گزارش‌های منتشر شده معاونت محیط زیست طبیعی سازمان محیط زیست در ازای مبلغ حداقل ۷ میلیارد تومان، ۱۰۵ مجوز شکار در فصل زادآوری برای اتباع خارجی صادر کرد.

به گفته بهرامی، مجموعه این مسائل نشان می‌دهد که در مورد قوانین داخلی خیلی سخت‌گیرانه عمل نمی‌کنیم.

او می‌گوید: «مثلاً در مورد پروژهای مثل کشاورزی تراریخته، در همه‌جای جهان، سازمان‌های متولی محیط زیست می‌آیند و جلوی این موضوع می‌ایستند و خواهان تحقیق بیشتر می‌شوند. در حالی که در کشور ما رئیس سازمان محیط زیست خودش مبلغ این مساله است. به نوعی که شک بر این می‌رود که نکند نفع و منفعتی در ترویج کشاورزی تراریخته دارد.»

با تغییر ریاست سازمان محیط زیست رویکرد این سازمان نیز نسبت به محصولات تراریخته تغییر کرد. عیسی کلانتری، رییس سازمان حفاظت محیط زیست، در مهرماه ۱۳۹۶ نیره اعظم خوش‌خلق سیما را به عنوان مشاور فن‌آوری و بیوتکنولوژی خود در سازمان حفاظت محیط زیست منصوب کرد. خوش سیما در فروردین ماه جاری از راه اندازی مرکز فناوری محصولات تراریخته خبرداد. این موضوع با واکنش جدی فعالان محیط زیست روبرو شده است.



قانون تنفس جنگل‌ها هنوز بعد از سال‌ها در مجلس شورای اسلامی در رفت و آمد است و هنوز به هیچ نقطه روشنی در مجلس نرسیده است.

واقع نقص های موجود امروز را پوشش دهند عملی و اجرایی کنیم. در این مساله مشکل جدی داریم. مثلاً اگر بیاییم قانونی در مورد اطفای حریق جنگل‌ها مصوب کنیم که کدام سازمان مشخصاً مسئول است یا در مورد تعداد محیط‌بانان نسبت به متر مربع زمین در فضای سبز و مناطق حفاظت شده، قانونی تبیین کنیم و بگوییم مثلاً به ازای هر متر مربع فضای سبز و منطقه حفاظت شده، این تعداد محیط‌بان باید وجود داشته باشد، این محیط بان از کجا باید حقوق دریافت کند؟ با چه تکنولوژی باید وظیفه‌اش را انجام دهد؟ در حالی که سازمان محیط زیست در مجموعه تمام حوزه‌های استانی خود ممکن است حتی یک هلی‌کوپتر برای اطفای حریق جنگل‌ها

بعضی موارد حتی مغایر با هم هستند. پس به این ترتیب، حتی اگر ما فرض را براین بگیریم که ابزار قانونی کارآمد، جزئی‌نگرانه و دقیق و قابل اجرا باشد، نه متولی مشخصی برای اجرای این قوانین وجود دارد نه ابزار قدرتمندی وجود دارد که بتواند برای کسی که از این قوانین تخطی کرده است، مصداق مجرمانه تعریف کند و آن جرم را پیگیری کند. عملاً در مجلس، دید ملی نسبت به محیط زیست وجود ندارد که امیدوار باشیم این خلاءهای موجود بهبود پیدا کند.»

قوانین فعلی ایران برای حفاظت از محیط زیست و کاهش تخلفات علیه محیط زیست این کشور کافی‌اند؟

خانم بهرامی می‌گوید: «دولت یک بخش‌هایی را پیش‌بینی کرده است. به طور مثال ما یک سری شوراهای عالی تشکیل‌شده مثل شورای عالی اقیانوس‌شناسی کشور، شورای عالی نقشه‌برداری و نقشه جغرافیای خشکسالی ایران، کمیته‌های بحران، کمیته مبارزه با بیابان‌زایی که موضوع بسیار مهمی است، یا کمیته مقابله با ریزگردها که در حوادث مختلف، متناسب با نیاز تشکیل شدند، داریم. اما اولاً این کمیته‌ها بودجه کافی تعیین‌شده‌ای برایشان وجود ندارد و دوم اینکه قدرت اجرایی ندارند. همه این کمیته‌ها می‌توانند به عنوان یک ناظر در نهایت عمل کنند. می‌بینیم حتی نقش نظارتی در حوزه آب به هیچ عنوان پاسخگو نبوده است. مثلاً مواردی داشته‌ایم که پروژه‌های انتقال آب یا حتی سدسازی‌هایی که سازمان محیط زیست عملاً آن‌ها را غیرقانونی و خلاف منافع ملی ما در حوزه محیط زیست اعلام کرده است، قوه قضاییه آمده آن را نقض کرده و عملاً یک حکمی برخلاف حکم حوزه محیط زیست صادر کرده است. بعد، وزارتخانه‌ای که از این موضوع نفع می‌برد، استناد کرده به آن حکم قوه قضاییه و پروژه‌اش را پیش برده است. از این نمونه‌ها زیاد داشته‌ایم. در حوزه محیط زیست، از این وزارتخانه تا آن وزارتخانه از این دولت تا آن دولت، قوانین بسیار منعطف هستند.»

بهرامی در پاسخ به این سوال که قوانین و مقررات فعلی در مقام اجرا تا چه اندازه موثرند و و چه قوانینی می‌بایست به

قوانین فعلی اضافه شوند، می‌گوید: «به طور حتم ما باید به قوانین حوزه آب خیلی دقیق و جزئی‌نگرانه نگاه کنیم، مسائل مربوط به حوزه آب نمی‌توانند بدون در نظر گرفتن حوزه‌های آبی کلان تعریف شوند. نمی‌توانیم به موضوعی مثل منابع آبی‌مان، به شکل استانی یا از یک دیدگاه سیاسی زودگذر نگاه کنیم. این موضوع مسلماً به یک مدیریت بسیار دقیق نیاز دارد؛ به شورایی نیاز دارد که مردم، کشاورزان، صاحبان صنایع که منفعت از آب آن منطقه و حوزه آبخیزداری دارند، بتوانند در آن مشارکت کنند. علاوه بر آن، ما باید امکان استفاده از تکنولوژی را داشته باشیم. پول برای سرمایه‌گذاری هم داشته باشیم که بتوانیم آن قوانین جدیدی که اضافه می‌شوند و در

صالح نیک‌بخت: مشکل قانون زیست‌محیطی نداریم، مشکل عدم رعایت قانون داریم

محیط زیست در قوانین ایران چه جایگاهی دارد؟ آیا قوانین فعلی ایران برای حفاظت از محیط زیست این کشور کافی‌اند؟ اگر این قوانین، تأثیر بازدارنده‌ای در کاهش تخلفات علیه محیط زیست ندارند و کافی نیستند، چه قوانینی باید به قوانین کنونی اضافه شوند؟ قوانین فعلی در مقام اجرا تا چه اندازه موثر بازدارنده و کارآمد هستند؟ آیا اجرای جدی این قوانین می‌تواند در حفاظت بهتر از محیط زیست موثر باشد؟

برای بررسی بیشتر موضوع محیط زیست و ارتباط آن با قانون اساسی، مجله «حقوق ما» این پرسش‌ها را با صالح نیک‌بخت، حقوقدان و وکیل دادگستری، در میان گذاشتیم.

او معتقد است: «خوشبختانه در آغاز انقلاب ایران رویکرد خوبی نسبت به محیط زیست و حفاظت از آما و آرزوهای مردم ایران شد. در قوانین عادی، موضوع محیط زیست و حفاظت از آن محلی از اعراب نداشت و اگر اقداماتی هم صورت گرفته بود عمدتاً در چارچوب دستورالعمل‌ها و حداکثر قوانین عادی انجام گرفته بود؛ آن هم به صورت موردی.»

به گفته آقای نیک‌بخت، در اصل پنجاهم قانون اساسی به صراحت آمده است که حفاظت از محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی و رشد داشته باشند، وظیفه عمومی است. از این رو قانون اساسی مقرر داشته که فعالیت‌های اقتصادی و غیره که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن مداومت پیدا کند، ممنوع است: «این، رویکرد مثبتی بود، چنانچه ما پاسدار آن

مساله محیط زیست در

حرف و کلام و قانون مورد

حمایت قرار گرفته است

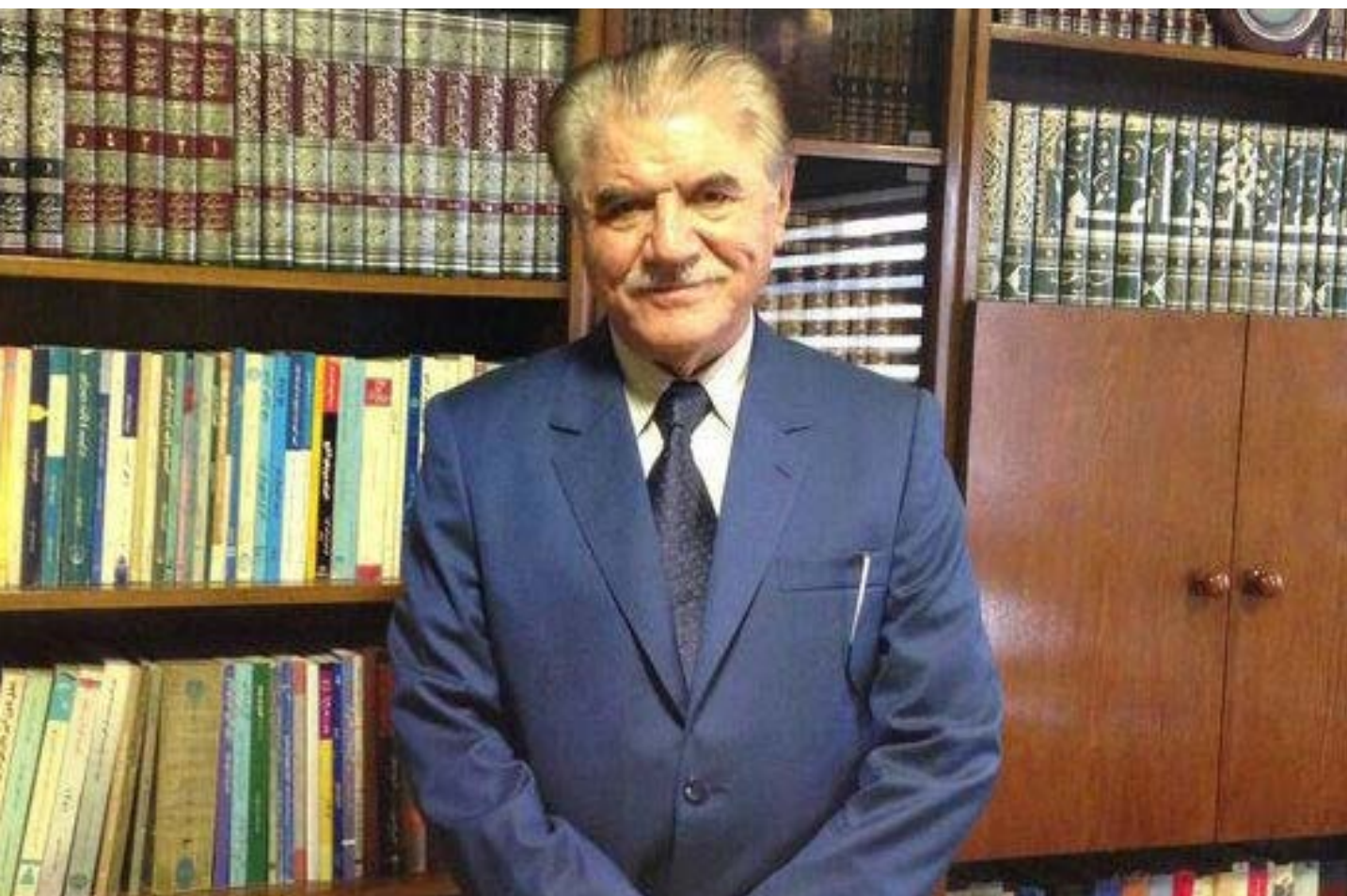
ولی در عمل، چون در

کشور ما قانون را اجرا

نمی‌کنند، عملاً به هدر رفته

و هیچ‌گونه نتیجه مثبتی از

آن نگرفته‌ایم



بودیم و واقعا آن را اجرا می‌کردیم.»

به اعتقاد وی، قانونگذار در ایران تنها به این بخش از قانون اساسی اکتفا نکرده و در قوانین دیگر نیز چند مورد از مسائلی که مستقیماً با محیط زیست و تخریب حیات وحش در ایران مرتبط بوده را مورد نظر و تأکید قرار داده است.

آقای نیک‌بخت به ماده ۶۸۸ قانون آیین دادرسی کیفری اشاره می‌کند. در این ماده قانونی آمده است: «هر اقدامی که تهدید علیه بهداشت عمومی شناخته شود، از قبیل آلوده کردن آب یا توزیع آب آشامیدنی آلوده، دفع غیر بهداشتی فضولات انسانی و دامی و موادزاید، ریختن مواد مسموم کننده در رودخانه‌ها، زباله در خیابان‌ها و کشتار غیر مجاز دام، استفاده‌ی غیر مجاز فاضلاب خام یا پس‌آب تصفیه‌خانه‌های فاضلاب برای مصارف کشاورزی، ممنوع می‌باشند و مرتکبین چنانچه طبق قوانین خاص مشمول مجازات شدیدتری نباشند، به حبس تا یک سال محکوم خواهند شد.»

این حقوقدان توضیح می‌دهد: «برای این که اقدام قانونگذار در این مورد ضمانت اجرایی داشته باشد و همین طور در حد حرف و کلام نباشد، قانونگذار اقدامات مورد اشاره علیه

بهداشت عمومی را ممنوع اعلام کرده ولی مجازات شدیدی اعمال نکرده و حداکثر متخلف به یک حبس تا یک سال محکوم خواهد شد. به هر صورت، در این مورد قانون ایران ساکت نیست. هرچند این قوانین به اندازه کافی نتوانسته‌اند در مقام اجرا رعایت حقوق مردم را بکنند و یا از محیط زیست ایران حفاظت به عمل آورند. ولی می‌توانم بگویم که کشور از این لحاظ با خلاء قانونی به طور کامل روبرو نیست.

آنچه ما در این رابطه با خلاء روبرو هستیم، تنها مربوط به محیط زیست نیست بلکه به طور کلی مربوط به عدم رعایت قوانین در کشور است به این دلیل است که متأسفانه همان طوری که در سایر مسائل، به‌ویژه در زمینه مدیریت امور مالی و حفاظت از دارایی‌های ملی می‌بینید که مشکلات بسیار زیاد است و در راس این فساد، برخی از مسئولان و مدیریت کشور هستند؛ در بسیاری از موارد معاونین وزرا و همچنین بستگان نزدیک عالی‌ترین مقامات کشور مانند رئیس‌جمهور در این گونه موارد مداخله می‌کنند و زمینه این فسادهای مالی را فراهم می‌کنند. بنابراین همان‌طوری که در امور مالی رعایت قوانین و مقررات نمی‌شود و زمینه این جرائم مالی به وجود



می‌آید، در زمینه محیط زیست نه رعایت اصل پنجاه قانون اساسی شده و نه رعایت آن ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی گردیده است.»

آقای نیکبخت در ادامه توضیح می‌دهد: «البته این مسائل تنها به این دو قانونی که مد نظر من هستند محدود نمی‌شود. بلکه در مورد قوانین و دستورالعمل‌هایی که سازمان حفاظت محیط زیست صادر کرده است هم موارد مشابه زیادی وجود دارد. نظیر مشکلات مربوط به حیات وحش، آبهای کشور یا جلوگیری از فرسایش خاک؛ خاکی که در هر نقطه ای در جهان بیش از صد سال طول می‌کشد تا به یک خاک مستعد و قابل بهره‌برداری تبدیل شود و در آن گیاه یا درخت کشت کنند. متأسفانه در کشور ایران به آبخیزداری توجهی نمی‌شود. یعنی کشت در نقاطی صورت می‌گیرد که زمینه وقوع سیل وجود دارد و ممکن است با وقوع سیل این مناطق از بین بروند. می‌خواهم کمی نزدیک تر به این موضوع توجه کنیم، چنانچه در همین چهل سال گذشته دولتمردان ایران به این امر مهم توجه می‌کردند و پیش از این که حادثه به وجود آید، علاج واقعه را قبل از وقوع می‌کردند سیل های چنین مهیبی در چهار طرف ایران به وجود نمی‌آمد.

حدود پنجاه سال پیش وقتی که در روزنامه کیهان به عنوان روزنامه‌نگار فعالیت می‌کردم، گزارشی منتشر شد که ژاپنی‌ها برای منطقه خوزستان تدوین کرده بودند و در آن گزارش اعلام کرده بودند که خوزستان جدای منابع نفتی که در اختیار دارد، از لحاظ کشاورزی و خاک مستعد اداره ۹۰ میلیون نفر از مردم کشور است.

متأسفانه به دلیل این که در سال‌های اخیر سدهای متعددی ساختند و برای این سدها پیش‌بینی‌های لازم را نکردند، همان طور که می‌دانید الان هم حداقل دو سوم از دشت‌های حاصلخیز خوزستان زیر آب است. بسیاری از کشت‌های این مناطق کشت بهاره و زمستانه که در همین فصل قابل برداشت بوده، از بین رفته است.»

این وکیل دادگستری می‌گوید: «مساله محیط زیست در حرف و کلام و قانون مورد حمایت قرار گرفته است ولی در عمل همان‌طور که گفتم، چون در کشور ما برخلاف کشورهای دیگری که اصل حاکمیت قانون اجرا می‌شود و به قانون احترام گذاشته می‌شود، قانون را اجرا نمی‌کنند، عملاً به هدر رفته و هیچ‌گونه نتیجه مثبتی از آن نگرفته‌ایم.»

یکی از مشکلات ما این

است که هنوز فرهنگ

حاکمیت قانون یا

سروری قانون را بر تمام

امور، نپسندیده‌ایم و

به جای این که از قانون

تبعیت کنیم، بیشتر

منتظر دستور و فتوا و

غیره هستیم

وی با بیان این که وضعیت نامطلوب محیط زیست، محصول بی تدبیری و اولویت ندادن دولت و کل قوای سه‌گانه به معضلات محیط زیستی است تاکید می‌کند: «همین الان یکی از متولیان عدم رعایت مسائل محیط زیستی خود سازمان محیط زیست است. این سازمان زمانی می‌تواند این اقدامات را انجام دهد که از حمایت قانون به ویژه قوه قضاییه برخوردار باشد. تا اعتراضی صورت می‌گیرد، آن کسی که متهم است یا مباشر نابودی محیط زیست است، اعوان و انصار پیدا می‌کند. اساساً با لابی‌کردن از نظارت دستگاه قضایی یا دستگاهی که بر این موضوع باید نظارت داشته باشد جلوگیری می‌کنند و این دستگاه‌ها نمی‌توانند کاری در این زمینه انجام دهند. یکی از مشکلات موجود ما این است که هنوز فرهنگ حاکمیت قانون یا سروری قانون را بر تمام امور، نپسندیده‌ایم و به جای این که بر قانون گردن نهیم و از قانون تبعیت کنیم، بیشتر منتظر دستور و فتوا و غیره هستیم. بنابراین تا اجرای قانون نهادینه نشود ما با همین مشکل مواجه خواهیم بود. قانون

می‌بایست برای تمام آحاد ملت یکسان اجرا شود و به موقعیت کشوری و لشکری افراد توجه نکند.»

این حقوقدان در پایان تاکید می‌کند: «کار از زمین‌خواری گذشته، به کوه‌خواری و دشت‌خواری کشیده شده است. الان در اطراف رودخانه‌ها و دریاچه‌های ما بدون این که قانون را رعایت کنند، بدون این که از آن محدودیت‌های قانونی تبعیت کنند، ویلا سازی کرده‌اند. آن‌هم در بالاترین نقطه کوه‌ها و زمین‌هایی که از لحاظ قانونی زمین موات تلقی می‌شوند. در روزهای اخیر مطبوعات ایران خبرهایی در مورد ساخت و ساز ویلاهایی منتشر کرده‌اند که متعلق به برخی از نمایندگان مجلس یا وزرا هستند. همین چند روز پیش ویلای غیرقانونی دختر یکی از وزرای دولت روحانی را تخریب کردند. علاوه بر این، خبر ویلای یکی از نمایندگان مجلس که در فضای مجازی مدعی هم هست، منتشر شد. بنابراین وقتی که حاکمیت و اعوان و انصارش به این شکل محیط زیست را نابود می‌کنند، دیگر از مردم عادی چه انتظاری می‌توان داشت؟»

سپاه پاسداران از ضابط قوه قضاییه تا سرکوب فعالان محیط زیست



احسان حسین زاده

مراد طاهباز، سام رجبی، امیرحسین خالقی، هومن جوکار، سپیده کاشانی، نیلوفر بیانی، طاهر قدیریان و عبدالرضا کوهپایه، هشت فعال محیط زیستی هستند که از بهمن ماه سال ۱۳۹۶ در بازداشت مقامات قضایی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران به سر می‌برند.^۱ پیش از شروع بحث باید یادآور شد که این هشت فعال محیط زیست زندانی، به اتهام «جاسوسی و افساد فی الارض» در بازداشت اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هستند و سپاه پاسداران بر اساس اختیاری که قانون به عنوان ضابط دادگستری به او داده است، این فعالان را بازداشت کرده است. این در حالیست که وزارت اطلاعات و رییس سازمان محیط زیست ایران می‌گویند در پرونده این افراد هیچ مدرکی دال بر جاسوسی وجود ندارد اما اطلاعات سپاه پاسداران همچنان بر ادامه بازداشت این افراد اصرار می‌ورزد.^۲

ضابط دادگستری کیست؟

بر اساس ماده ۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۹۲، «ضابطان دادگستری مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان در کشف جرم، حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، تحقیقات مقدماتی، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضائی، به موجب قانون اقدام می‌کنند.»

1. <http://www.bbc.com/persian/iran47066472->
2. https://www.radiofarda.com/a/b5_environmental_activists_in_jail_exclusive/29247699.html

تا جایی که به پرونده

فعالین محیط زیست مرتبط

می‌شود، سپاه پاسداران

به عنوان ضابط قضایی، بر

خلاف قانون، مانع اجرای

عدالت شده است.



ماده ۲۹ همین قانون و نیز ماده ۳ قانون اصلاح قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۴ نیز اشعار می‌دارد که ضابط بر دو نوع است: ضابط عام و ضابط خاص. بر اساس این ماده، ضابطان خاص شامل مقامات و مأمورانی که به موجب قوانین خاص در حدود وظایف محول شده ضابط دادگستری محسوب می‌شوند؛ از قبیل رؤسا، معاونان و مأموران زندان نسبت به امور مربوط به زندانیان، مأموران وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه و مأموران نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی؛ همچنین سایر نیروهای مسلح در مواردی که به موجب قانون تمام یا برخی از وظایف ضابطان به آنان محول شود، ضابط محسوب می‌شوند.^۳ لذا در جرائم مرتبط با جاسوسی ضابط اصلی وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی است اما سپاه پاسداران نیز در این جرائم خود را ضابط می‌پندارد و با اختیاراتی که توسط قوه قضاییه به این نهاد داده شده سپاه و وزارت اطلاعات هر دو در عمل در جرائم مرتبط با جاسوسی ضابط محسوب می‌شوند.

اتهام فعالان محیط زیست!

ایرنا در مورد «متهمین محیط زیست» توضیح داده: «پرونده موسوم به فعالان محیط زیست، هشت متهم دارد که برای چهار نفر به اتهام افساد فی الارض، سه نفر به اتهام جاسوسی

ماده ۲۹ همین قانون و نیز ماده ۳ قانون اصلاح قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۴ نیز اشعار می‌دارد که ضابط بر دو نوع است: ضابط عام و ضابط خاص. بر اساس این ماده، ضابطان خاص شامل مقامات و مأمورانی که به موجب قوانین خاص در حدود وظایف محول شده ضابط دادگستری محسوب می‌شوند؛ از قبیل رؤسا، معاونان و مأموران زندان نسبت به امور مربوط به زندانیان، مأموران وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه و مأموران نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی؛ همچنین سایر نیروهای مسلح در مواردی که به موجب قانون تمام یا برخی از وظایف ضابطان به آنان محول شود، ضابط محسوب می‌شوند.^۳ لذا در جرائم مرتبط با جاسوسی ضابط اصلی وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی است اما سپاه پاسداران نیز در این جرائم خود را ضابط می‌پندارد و با اختیاراتی که توسط قوه قضاییه به این نهاد داده شده سپاه و وزارت اطلاعات هر دو در عمل در جرائم مرتبط با جاسوسی ضابط محسوب می‌شوند.

و یک نفر هم به اتهام اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی، کیفرخواست صادر شده است. اتهام چهار متهم این پرونده در ابتدا جاسوسی بود که بعد به افساد فی الارض تغییر کرد.» غلامحسین محسنی اژه‌ای، سخنگوی قوه قضائیه، قبلاً خبر داده بود که عنوان کیفرخواست پرونده فعالان محیط زیست تغییر کرده است. به گفته اژه‌ای عنوان اولیه اتهام این افراد «جاسوسی» بوده و طبق ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی برخی جاسوسی‌ها می‌تواند تا «افساد فی الارض» هم پیش برود.^۴

آیا جرم جاسوسی محقق شده است؟

بر اساس گزارش‌های موجود سازمان اطلاعات سپاه پاسداران، تنها ضابط پرونده فعالان محیط زیست بوده که به ادعای خود با کشف جرم جاسوسی اقدام به گزارش آن به قوه قضاییه و متعاقباً بازداشت هشت فعال محیط زیست کرده است. اما دلیل این بازداشت چه بود؟ آیا واقعا جرم جاسوسی محقق شده است؟ سپاه پاسداران تنها مرجع کشف جرم جاسوسی نیست و وزارت اطلاعات نیز حق تحقیق و اظهارنظر در این مورد را داراست. جالب اینکه محمود صادقی، نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی، روز چهارشنبه ۱۹ اردیبهشت در یک پیام توییتری خبر داده است که وزارت اطلاعات جمهوری

4. <https://m.dw.com/fa-ir/environment/a47298793->

3. <http://www.rrk.ir/Laws/ShowLaw.aspx?Code=5116>

مشکل محیط زیست ایران را در جایی غیر از قانون باید جست

مجله حقوق ما با نعمت احمدی؛ حقوقدان و وکیل پایه یک دادگستری، در مورد ارتباط قانون اساسی و محیط زیست گفتگویی داشته که در پی می‌خوانید.

از آقای احمدی سوال شد که مسائل زیست محیطی تا چه اندازه در قانون اساسی ایران مورد توجه قرار گرفته است؟ این حقوقدان گفت: «قانون اساسی ایران برخلاف قوانین بسیاری از دیگر کشورها قانون جدیدی‌ست و از تصویب آن چهل سال می‌گذرد. ما در قانون اساسی به صورت خاص یک اصل، یعنی اصل پنجاهم را اختصاص داده‌ایم به محیط زیست. من این نکته را بارها گفته‌ام که ما در ایران ضعف و خلاء قانونی در حوزه محیط زیست نداریم. مشکل محیط زیست ما کمبود بودجه، توان و نیروی سازمان محیط زیست به عنوان متولی این حوزه است.»

وی افزود: «بینید در کشور چه تعداد موارد تخلف در حوزه محیط زیست مشاهده می‌شود. در حالی که زباله در دنیا به عنوان طلای سیاه شناخته می‌شود، در ایران، اکنون یک بلای سیاه است. با وجود این که یکی از مهم‌ترین موارد مورد اشاره در قانون اساسی و منشور حقوق شهروندی، حفظ سلامت و محیط زیست است، شاهدیم که حجم انبوهی از پسماندها و زباله‌های شهری و روستایی در مناطق روستایی، جنگل‌ها، حاشیه جاده‌ها و شهرها دفن می‌شوند. دیده‌ایم که در سیل اخیر چقدر از این زباله‌ها که در حاشیه شهرهای سیل‌زده دفن شده بودند، به رودخانه‌ها سرازیر شدند. این مساله بر سلامت و بهداشت جامعه تاثیر مستقیمی دارد. هنوز می‌بینیم که برای تولید کمتر زباله یا تفکیک آن کم‌کاری

می‌شود. همچنان ماشین‌های حمل زباله مثل شصت سال پیش عمل می‌کنند و اگر یکی از این کامیون‌ها را دنبال کنید، می‌بینید که با خودشان چقدر آلودگی در سطح شهرها منتقل می‌کنند. اگر شما یک بار بعد از ساعت یازده شب در یکی از خیابان‌های شهر تهران قدم بزنید می‌بینید که در کنار هر سطل زباله شهرداری، یک نفر در حال پیدا کردن

از فعالان محیط زیست، سازمان حفاظت محیط زیست به عنوان متولی اصلی حفاظت از محیط زیست در ایران، به وظایف خود در صیانت و اجرای قوانین محیط زیست به درستی عمل نمی‌کند.

نعمت احمدی در پاسخ به این موضوع می‌گوید: «من با شما موافق نیستم که سازمان محیط زیست عملکرد مناسبی ندارد. اتفاقاً با آمدن دکتر روحانی توجه بیشتری به مسائل محیط زیست در کشور صورت گرفت. به نظر من، مشکل سازمان محیط زیست، بودجه است. بودجه این سازمان حتی از نهادها و موسسه‌های مذهبی در ایران هم کمتر است. در واقع سازمان محیط زیست بر روی کاغذ است و در عمل برای خرید تکنولوژی و تجهیزات به‌روز بودجه‌ای ندارد. از طرفی، به نظر من هنوز آن نگاه عمیق بین‌المللی به محیط زیست

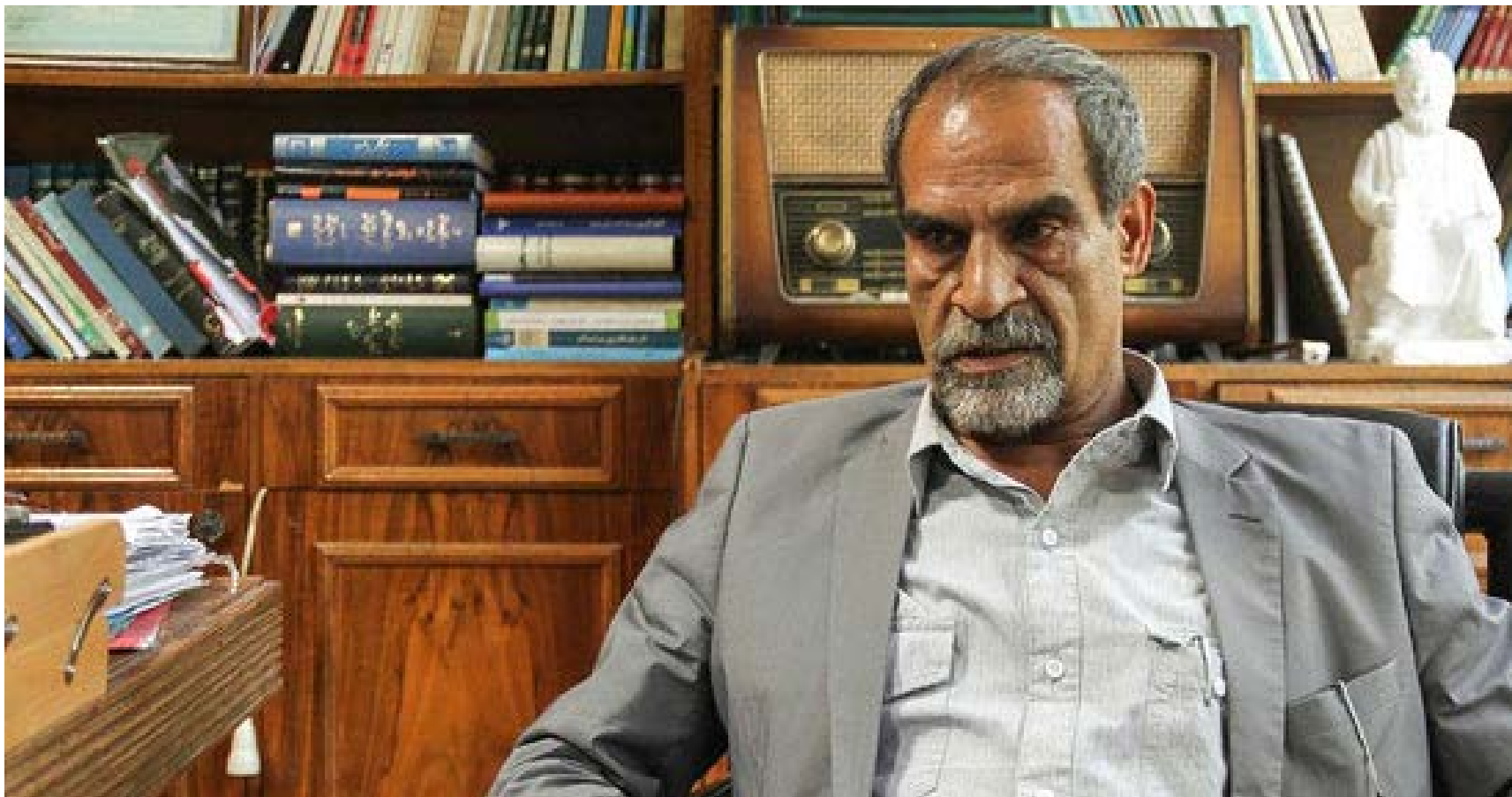
پلاستیک، آلومینیوم و ضایعات دیگر است. خب! در کنار همه این سطل‌های زباله چه حجمی از آلودگی می‌تواند ایجاد شود؟ همین‌طور افزایش بی‌رویه آلاینده‌های صنعتی، شهری، وجود خودروها و موتورسیکلت‌های فرسوده از دیگر مسائل مهم زیست محیطی به شمار می‌روند.»

آقای احمدی به مصاحبه منتشر شده از کاوه مدنی، معاون سابق نوآوری سازمان حفاظت از محیط زیست ایران پس از استعفایش اشاره می‌کند و می‌گوید: «فقط توجه به نکات مورد اشاره در آن مصاحبه به قول فردوسی در داستان رستم و سهراب شاهنامه، «یکی داستان‌ست پرآب چشم، دل نازک از رستم آید به خشم.» این درحالی‌ست که در حال حاضر در دنیا به مسائل محیط زیست اهمیت زیادی قائل می‌شوند؛ تا حدی که به کسانی مثل ال گور، معاون سابق بیل کلینتون،

ریاست جمهوری سابق آمریکا، جایزه صلح نوبل می‌دهند و این مساله، نشان‌دهنده اهمیت موضوع محیط زیست در عرصه بین‌المللی است. یا فعالیت مدافعان سیاست‌های سبز و طرفداران جنبش سبز اروپا را در نظر بگیرید که در حوزه محیط زیست چقدر فعالند و تلاش می‌کنند.»

در ادامه بحث به این نکته اشاره می‌کنیم که به اعتقاد بسیاری

در ایران وجود ندارد. همه دنیا به کره زمین و محیط زیست به عنوان سرمایه مشترک برای نسل حاضر و نسل‌های آینده توجهی ویژه‌ای دارند. ولی در ایران حمایت از محیط زیست انسان و بهبود آن به عنوان یک اصل مشترک هنوز مورد اهمیت و توجه قرار نگرفته است.»



حقوق ما

ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الكترونيكي تخصصي حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر

ایران / محمود امیری مقدم

سردبیر این شماره: مریم غفوری

تماس با مجله: mail@iranhr.net

